

بندگی خداوند راز عزت و اقتدار

بندگی واقعی خداوند، یکی از اهداف مهم بعثت انبیای الهی است که در قرآن بارها بر آن تأکید شده است:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا
الطَّاغُوتَ﴾^۱

ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که [به مردم بگوید:] خدای یکتا را
بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.

اولیای الهی عزت خود را در بندگی خداوند می‌دانستند؛ علی علیه السلام در دعای
خود می‌گوید:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَكَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ
لِي رَبًّا^۲

۱. نحل: ۳۶.

۲. الخصال: ج ۲، ص ۴۲۰.

خدایا، برای من همین عزت بس، که بنده تو باشم و همین افتخار بس، که تو پروردگار من باشی.

مردم زمان رسول خدا ﷺ ایشان را بیشتر «نبی الله» صدا می‌زدند؛ اما خودشان دوست داشتند که او را «عبدالله» صدا کنند. اولیایی الهی در برابر خداوند، عبد محض بودند و در برابر خواست او درخواستی نداشتند. امام هادی علیه السلام در زیارت جامعۀ کبیره، اهل بیت علیهم السلام را مصداق زمینی این آیه شریفه که درباره فرشتگان مقرب الهی است، می‌داند:

﴿لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾^۱

هرگز در سخن بر او [خدا] پیشی نمی‌گیرند؛ و [پیوسته] به فرمان او عمل می‌کنند.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در لحظات واپسین عمرشان، اطرافیان را جمع کردند و فرمودند: «وصیت من به شما این است که بکوشید، تا نافرمانی خداوند نکنید».^۲

اقتدار در پرتو بندگی

در صورتی که انسان به مقام عبودیت راه پیدا کند، قدرت می‌یابد و متصل به قدرت نامحدود ذات فنا نشدنی خداوند می‌شود. در حدیث قدسی آمده است:

يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا غَنِيٌّ لَّا اُفْتَقِرُ اطْعِنِي فِيمَا اَمْرُكَ اَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَّا تَفْتَقِرُ. يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا حَيٌّ لَّا اَمُوتُ اطْعِنِي فِيمَا اَمْرُكَ اَجْعَلْكَ

۱. انبیاء: ۲۷.

۲. سیری در ساحل بینش و منش امام خمینی (ره): ص ۸۶.

حَيًّا لَّا تَمُوتُ. يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلسَّيِّءِ كُنْ فَيَكُونَ أُطْعِمَنِي فِيمَا
أَمَرْتُكَ أَجْعَلُكَ تَقُولُ لِلسَّيِّءِ كُنْ فَيَكُونَ؛^۱

ای فرزند آدم! من غنی هستم و احساس نیاز نمی‌کنم، تو در فرمانهایم مرا اطاعت کن تا تو را غنی گردانم و نیازمند نشوی. ای فرزند آدم! من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم، در فرمانهایم اطاعت نما تا تو را زنده‌ای گردانم که نمیری. ای فرزند آدم! من به هر چیزی بگویم باش، موجود می‌شود، تو در فرمانهایم اطاعت کن تا تو را به مقامی برسانم که به هرچه گفתי باش، موجود شود.

طیران مرغ دیدی تو ز پایبند شهوت به درآی تا ببینی طـیران آدمیت رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت امام خمینی علیه السلام در یک جلسه خصوصی به آیت‌الله بهاء الدینی رحمته الله فرموده بودند: من در اختیار خودم نیستم؛ اما همه چیز در اختیار من است. بهاء الدینی رحمته الله فرموده بودند: من از این جمله، ولایت امام رحمته الله را فهمیدم؛ یعنی من ولایت دارم.^۲ توضیح مطلب: اگر کسی بر خودش ولایت داشت و توانست اعضا، جوارح و فکر خودش را آن‌گونه که خداوند می‌خواهد، تحت کنترل درآورد، خداوند متعال او را بر چیزهای دیگر ولایت می‌بخشد.

۱. عدة الداعی: ص ۳۱۰.

۲. سیری در ساحل بینش و منش امام خمینی (ره): ص ۶۴.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ: أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيُطِيعِ
الْعَزِيزَ؛^۱

من عزیزم؛ پس هرکس عزت هر دو جهان را می‌خواهد، باید سر
به فرمان عزیز باشد.

مربیان اخلاق می‌گویند: اگر کسی بخواهد در مسیر عبودیت حرکت کند و
به مقام اولیای الهی برسد، باید به چند نکته توجه نماید:
اولاً: باید بداند که یک‌باره نمی‌توان به آن مقامات دست یافت و این حرکت،
نیازمند طی مقدماتی است؛ چنانچه برای پرورش جسم نیز تمرین و ریاضت لازم
است.

ثانیاً: باید باور داشته باشد که نسخه‌ای که خداوند متعال برای سعادت انسان
نوشته است، بهترین است.

ثالثاً: عوامل تعالی و سقوط روح را بشناسد.

رابعاً: پله‌پله حرکت صعودی خود را آغاز کند؛ مثلاً ابتدا ورودی‌های قلب
- یعنی چشم و گوش - را کنترل کند و سپس به مرحله بعدی برود.
اگر ورودی‌های قلب کنترل شوند، خروجی آن صاف و زلال خواهد شد، فکر
انسان اصلاح می‌شود و رفتارش الهی می‌گردد؛ یعنی ابتدا باید تخلیه انجام شود
تا زمینه تحلیه و مزین شدن به صفات الهی فراهم گردد.
آنچه در این راه می‌تواند سالک را کمک کند، عبادت، توسل، دعا و
سحرخیزی است.

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ؛^۱
رسیدن به خداوند عزیز سفری است که درک نمی‌شود؛ مگر با
شب زنده‌داری.